

یادداشت

۲۴ اقتصاددان به روحانی چه گفتند؛ چه شد؟

طرفداران دولت پرکار سابق اناآرامی های اخیر اجتماعی را مناسب دیدند تا آستین ها را بالا زده و هر چیزی را مستمسک حمله و هجومه به دولت سیزدهم قرار دهند. در روزهای اخیر برخی رسانه های حامی دولت قبل با القای این پیام که مدیریت اقتصاد در دولت سیزدهم رها شده است، درصدد آن بودند که وعده های اقتصادی ابراهیم رئیسی را تبلیغاتی نشان داده و اینگونه القا کنند که اقتصاد کشور در دولت سیزدهم به دست کسانی است که با اتکا به نسخه پیچی های گذشته خود، نمی توانند اقتصاد را هدایت کنند. دستمایه این رسانه ها نیز بازنشر نامه ای بود که در دی ماه سال ۹۸ توسط ۲۴ اقتصاددان منتقد دولت وقت، خطاب به حسن روحانی نوشته شد. این نامه در پاسخ به جمله معروف حسن روحانی که گفته بود «من بلد نیستم اقتصاد کشور را بدون کمک های خارجی مدیریت کنم»، به رشته تحریر درآمده و ۱۰ رهاکار برای برای برون رفت از شرایط بدون نیاز به مذاکره ارائه شده بود. حال با گذشت سه سال، عده ای با بازنشر گسترده نامه مذکور و با این استدلال که «از این لیست ۲۴ نفره همگی وزیر، وکیل یا معاون وزیر شدند!... خودشان بانی وضع موجود هستند و هیچ کاری نتوانستند انجام دهند»، به تلاش برای القای ناآرامی تیم اجرایی دولت سیزدهم برآمدند؛ بدون آنکه به «مفاد نامه مذکور» و «اقدامات انجام شده در یک سال ونیم دولت سیزدهم» نیم نگاهی بیندازند. در بند اول نامه به رئیس جمهور وقت، توصیه شده بود که صدور مجوزهای کسب وکار را تسهیل و انحصار دسترسی به مشاغل را حذف کند. این اقدام یکی از اولین اقدامات وزارت اقتصاد دولت سیزدهم از شروع استقرار بود که در ماه های اول دولت محقق شد. تکمیل سامانه ملی مجوزها و پیگیری الحاق تمام دستگاه ها به این سامانه تا امروز ادامه یافته و ۵۲۰ هزار متقاضی که باید سال ها برای دریافت مجوز از این اداره به آن اداره می رفتند در یک درگاه مشخص ثبت درخواست کردند و بدون وجود هیچ رانت و انحصاری موفق به دریافت مجوز شدند. البته این تسهیل گام به گام در حال پیشرفت است و تا رسیدن به نقطه نهایی، فاصله دارد اما با جدیت در حال پیگیری است.

۲۴ اقتصاددان مذکور در بند دیگری از نامه خود به رئیس جمهور وقت پیشنهاد داده بودند بانک ها را مجبور به واگذاری اموال و املاک مازاد خود کنند. که ای کاش این اتفاق از همان سال ها توسط حسن روحانی کلید می خورد، اما چنین نشد و دولت سیزدهم از طریق وزارت اقتصاد این اقدام را به صورت جدی در دستور کار دارد، اخیرا نیز براساس مصوبه سران قوا و با هدف تسریع در واگذاری اموال بانک ها و دستگاه های دولتی، کمیته ای ویژه مسئول پیگیری شد. درواقع دولت سیزدهم علاوه بر محدودیت هایی که در کنترل مقداری ترانزنامه های بانکی ایجاد کرد، بانک ها را مجبور کرد که به سمت فروش و واگذاری اموال و دارایی های مازاد خود حرکت کنند. مثلا ۹۰ درصد فروش اموال مازاد بانکی در سال گذشته در ۶ ماهه دوم سال رقم خورد که این موضوع نشان دهنده پیگیری و جدیت دولت سیزدهم علی رغم بی میلی دولت قبل در اصلاح نظام بانکی است. روش های جایگزین سئویتیفت و پیمان های دوو چند جانبه پولی پیشنهاد دیگر مطرح شده در نامه ۲۴ اقتصاددان به حسن روحانی بود که در دولت سیزدهم پیگیری شده و اینک استفاده از سپام ارزی و پیام رسان های بومی بانکی، به عنوان جایگزین سئویتیفت بین بانک های ایران و سایر کشورها عملیاتی شده و در حال توسعه به سایر شرکای تجاری است. ضمن اینکه مذاکرات برای انعقاد اجرای پیمان دو جانبه پولی با هدف حذف دلار از مبادلات تجاری و استفاده از ارزهای ملی با چند کشور شریک تجاری در حال پیگیری است. استفاده از ابزارهای جدید مالی و تسهیل انتشار اوراق به منظور هدایت نقدینگی به سمت تولید که در نامه مذکور پیشنهاد شده بود نیز در دولت سیزدهم پیگیری شد؛ از جمله اینکه دستور العمل انتشار اوراق گام اصلاح ورگردد انتشار این اوراق برای تامین مالی تولید شکسته شد. ناگردنگان نامه مذکور که برخی شان از جمله احسان خاندوزی در دولت جدید مسئولیت دارند، پیشنهاد دیگری مبنی بر جلوگیری از فرارهای مالیاتی و کمک به رشد منابع پایدار بودجه ای به حسن روحانی ارائه کرده بودند.

جالب اینکه احسان خاندوزی همان نسخه ای را که به حسن روحانی پیشنهاد کرده بود، به محض استقرار در وزارت اقتصاد، به عنوان اولویت های وزارت

اقتصاد پیگیری کرد و گزارش هشت ماهه خزانه داری کل کشور از عملکرد مالی دولت نشان می دهد اتکای بودجه به منابع پایدار به ویژه مالیات نسبت

به دوره مشابه سال گذشته رشد قابل توجهی کرده است.

روزی که خاندوزی در دولت سیزدهم فعالیت خود را آغاز کرد، انباشتی از کارهای عقب مانده از جمله تکمیل سامانه مودیان، ساماندهی به پایانه های فروشگاهی و همچنین شفافیت در تارکخانه های اقتصاد ایران را محفل یک اقدام واقعی بود. سامانه مودیان که از سال ها قبل در مجلس تکلیف قانونی و با پیشرفت ۵ درصدی تحویل دولت سیزدهم شده بود، ظرف ۶ ماه با پیشرفت ۹۵ درصدی به گونه ای تکمیل شد که نمایندگان بانک جهانی در بازدید از آن ابراز تعجب کردند و در جلسه ای با مدیران سازمان مالیاتی اعلام کردند که «شما حتماً از زا یک شرکت خارجی تهیه کردید!» در صورتی که تکمیل و بهره داری از آن توسط چند جوان با میانگین سنی کمتر از ۳۵ سال انجام شد و یکی دیگر از ترک فعل های دولت قبل به عمل تبدیل شد. در قدم بعدی تکنیک حساب های تجاری از خصوصی علی رغم همه فشارها و فسادسازی ها کلید خورد تا اقتصاد ایران یک گام مهم دیگر در مسیر شفافیت بردارد. فایده این اقدامات برای دولت سیزدهم در همین مدت کوتاه این بود که کمک کرد تا منابع بودجه در هشت ماهه اول ۸۰/۵ درصد محقق شود در صورتی که این عدد در مدت مشابه پارسال (دولت قبل) ۵۶ درصد بود. تحقق ۸۰ درصدی منابع بودجه با اتکا به درآمدهای پایدار در حالی در دولت سیزدهم رقم خورد که هیچ فشاری به تولیدکنندگان و بخش حقیقی اقتصاد وارد نیامد و اتفاقاً معافیت ۵ درصدی در مالیات بر عملکرد آنها درنظر گرفته شد؛ اما ۲ میلیون مودی جدید مالیاتی که تا پیش از این مالیاتی پرداخت نمی کردند شناسایی شده و جمعیت بیشتری از فارغان مالیاتی مسیرشان سد شد. این اقدامات در نظام مالیاتی و به کارگیری سامانه های بر خط زمينه ای را برای اجرای قوانینی از جمله مالیات بر عایدی سرمایه فراهم کرد. زیرا این قوانین نیازمند بستر برای اجرا هستند و بدون ساماندهی تراکشن ها و شفاف کردن اقتصاد، مواهب این قوانین که همان جلوگیری از سوداگری در بازار دارایی ها مثل ارز، طلا، مسکن و خودرو است قابل بهره برداری نبود. بر این اساس، نامه سه سال قبل ۲۴ اقتصاددانی که برخی شان امروز بر مسند نشسته اند، برخلاف تصور برخی رسانه ها، اتفاقاً سند افتخار دولت سیزدهم است و نشان می دهد مدیران این دولت متعهدانه در مسیر اصلاحات اقتصادی قدم برداشته اند.

اقتصاد

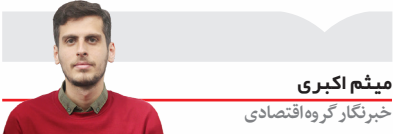


چرا ایده جدید بانک مرکزی خطاست

تشدید رکود با افزایش علنی سود بانکی

متعلق به علی صالح آبادی رئیس بانک مرکزی بود.

وی در دفاع از افزایش نرخ سود بانکی با بیان آنکه ۹۰ کشور دنیا این اقدام را انجام داده اند و حدود ۵ سال از آخرین اصلاح نرخ رسمی سود بانکی در ایران می گذرد معتقد است باید از نرخ سود بانکی به عنوان یکی از ابزارهای سیاست پولی در زمان فعلی استفاده کرد.



طی روزهای اخیر اظهار نظرهای مختلفی درخصوص نرخ سود بانکی به گوش رسید که رسمی ترین آن

بانک مرکزی در بخشنامه های زیادی در سالیان گذشته به بانک ها خطر عدم اعطای سود بیش از حد قانونی را داده بود؛ چرا که بانک ها و خصوصاً تعدادی که مبتلا به مشکلات ساختاری هستند در رقابت با سایر بانک ها برای جذب سپرده بیشتر وعده اعطای سود بیشتر را به مشتریان خود می دادند و برای پرداخت سود وعده داده شده، به اضافه برداشت از بانک مرکزی دست می زدند. واضح است تداوم چنین اقدامات مخرب و ناسالمی برای جذب سپرده بیشتر و بدون توجه به پیامدهای آن، ضمن افزایش بهای تمام شده پول در شبکه بانکی کشور، موجبات تضییع حقوق سایر ذی نفعان و همچنین تهدید ثبات سلامت و استحکام مالی موسسات اعتباری را فراهم می کند.

پرداخت سود سپرده در همان ابتدای دوره به سپرده گذار، واریز مایه تفاوت سود بالاتر از نرخ های مصوب شورای

همان گونه که پیشتر ذکر شد یکی از انگیزه های بانک مرکزی در افزایش سود بانکی در کاهش انتظارات تورمی و فشار بر بازارهای غیر رسمی طلا، ارز و خودرو است. اما نکته مهم آن است که افزایش سود بانکی در وضعیت فعلی قطعاً تنها راهکار و تک عامل کاهش دهنده انتظارات تورمی نیست. چرا که با توجه به شرایط تورمی کشور و لزوم اصلاح اقتصادی در بخش های مختلف، در صورت افزایش سود بانکی این موضوع در آینده نزدیک دوباره وارد فضای اقتصادی می گردد. چنانکه ساختار بانکی کشور نیز تسهیل گر برداشت سپرده های سرمایه گذاری از بانک ها است و حساب های سرمایه گذاری مدت دار همانند سپرده های قرض الحسنه و جاری بوده و مشکل خاصی

افزایش سود از تابستان کلید خورده بود

سودهای خارج از مقررات به مشتریان استفاده می کنند. در این رابطه حسین درودیان پژوهشگر پولی و بانکی در گفت وگو با «فرهنگتگان» و در پاسخ به این سوال که افزایش ۵ واحد درصدی نرخ بهره توسط بانک مرکزی چه ابعدای دارد؟ می گوید: «اولاً نکته مهم آن است که بانک مرکزی در ماه های اخیر بی جهت مجوز افزایش نرخ های سود را در کف شعب بانکی صادر کرد. بی جهت هم به این دلیل که در اقتصاد با وضعیت تقریباً بی ثباتی روبه رو بودیم و اتفاقات و تکانه های بدی نداشتیم و دلیلی برای افزایش نرخ سود نبود. خصوصاً بعد از حذف ارز ۴۲۰۰ که نرخ تورم بالا رفت، تورم به شکلی داشت به مسیر قبلی برمی گشت. از این رو افزایش نرخ سود بانکی در اواخر بهار و

اتفاقات پس از افزایش سود

کدام از این دو دست عامل را دستخوش تغییر نمی کند و تأثیری بر آنها نمی گذارد بلکه اثر کوتاه مدت دارد آن هم ضده خارج. به ویژه آن چیزی که در ایران مهم است آن است که پول به سمت بازار ارز به طور مشخص و بعد از آن بازار مسکن می رود و افزایش نرخ سود جایی که می خواهد اثر ضد تورمی بگذارد اینجا جاست. منتها بحث نه تنها در ایران بلکه در دنیا این است که افزایش نرخ سود یک سیاست پایدار نبوده و سیاستی موقتی شناخته می شود. خصوصاً در مورد ایران که برای زمان خریدن و به تعویق انداختن است. یعنی به صاحبان سپرده باجی می دهیم که مثلاً

اثر بلندمدت افزایش سود

یکی از سوالاتی که در اینجا قابل طرح بوده این است که اثر بلندمدت این افزایش نرخ روی نقدینگی و کل های پولی چه می تواند باشد؟ درودیان در این خصوص معتقد است: «تا زمانی که سیاست سقف کنترل ترانزانه را سفت و سخت اجرا می کند سیاست افزایش نرخ سود نمی تواند روی کمیت رشد پول خیلی اثر بگذارد، ولی کیفیت آن را تنزل می دهد و خود این موضوع پتانسیل رشد نقدینگی بلندمدت را افزایش می دهد چون بخش های بیشتری هستند که به لحاظ مالی تأمین نشده باقی مانده اند.»

افزایش تسهیلات؟ شاید وقتی دیگر

براساس آنچه شواهد نظام بانکی و صحبت های مدیران بانکی است باید گفت فعالیت رسمی و متعارف بانک ها یعنی سپرده گیری و تسهیلات دهی آنها زیان ده است، زیرا در طرف تسهیلات بخش مهمی از دارایی بانک ها منجمد و موهوم است. همچنین دارایی هایی است که بازدهی کمی دارد آن هم به دلایل مختلف مثلاً بخشی از سمت دولت و برداشت های تکنیکی، بخشی به خاطر وضعیت اقتصادی یا به دلیل نکول و پس ندادن است. لذا به طور کلی دارایی شبکه بانکی فاقد کیفیت کافی است. زمانی هم که نرخ سود را افزایش دهیم یک اثر قطعی روی هزینه های بانک دارد و قاعدتاً باید سمت دارایی بانک هم افزایش پیدا کند، اما مساله آن است که اگر طرف تسهیلات ۵ واحد درصد افزایش

دچار اختلال است. یعنی بانک های کشور یا در رقابت با سایر بانک ها سپرده هایی با سود بیش از نرخ ابلاغی بانک مرکزی دریافت می کنند که بیش از توان آنان برای پوشش آن توسط تسهیلات اعطایی است یا در طرف مقابل و در دریافت مجدد تسهیلات دچار چالش هستند و به اصطلاح این تسهیلات نکول می گردد. نتیجه آنکه بانک از یک طرف متکلف به پرداخت سود در ساده ترین حالت سود مصوب است و از سویی دیگر بازدهی دارایی های آن به سبب عدم بازپرداخت و برگشت به بانک در حدی نیست که کفاف هزینه های آن را دهد. حسین درودیان درخصوص تأثیر افزایش نرخ سود بر افزایش قدرت تسهیلات دهی بانک ها می گوید: «درمورد اینکه این سیاست چه تأثیری روی ناترازی بانک ها دارد



تابستان – که شواهد نشان می داد که در حال افزایش است اگرچه بانک مرکزی ابا دارد از اعلام این قضیه- باعث شد که این اهرم سیاستی بیخود و بی جهت خرج شود، آن هم زمانی که نیازی به استفاده از آن نبود و مشاهده می کنید که نرخ های سود سپرده گاهی تا ۲۴ و ۲۵ درصد هم بالا رفت. پس بانک مرکزی یک بار این ابزار خود را در شرایطی که نیازی نداشت هزینه کرد و همان موقع هم توصیه می شد که این ابزار را نگه دارید تا در زمان و شرایطی که نیاز است -صرف نظر از عوارضی که دارد اما بالاخره زامش آن وقت است- استفاده شود. مثلاً وقتی که مذاکرات نتیجه ندهد یا چشم انداز منفی شود. لذا برای افزایش نرخ سود که سیاست پرهزینه و به نوعی ضد اقتصادی است باید دلیل متقاعدکننده ای داشته باشید و این اشتباهی است که بانک مرکزی پیش از این مرتکب شد.»

اقدامی نکنید. نکته آن است که در کنار افزایش نرخ سود شما باید برنامه گشایش اقتصادی داشته باشید تا با این زمان خریدن یک ساله یک تغییری ایجاد کنیم تا مثلاً عوامل بنیادینی که روی نرخ ارز به عنوان مهم ترین عامل موثر در تورم، تأثیر می گذارند را تغییر دهیم یا تعدیل کنیم. اما اگر برنامه ای نباشد دو سال بعد و شش ماه بعد که این سپرده ها بخواهند تمدید شوند- که بعد دریافت بهره فربه تر و بزرگ تر شده اند و قدرت تنها جمی آنها بیشتر شده است- اگر برنامه گشایشی نباشد و صرفاً از این ابزار استفاده کنیم به معنای این است که تنها داریم فتر تورم و نرخ ارز را جمع می کنیم تا در آینده با شدت بیشتری در برود و این اشکال دیگری است که این سیاست و تدبیر دارد.»

شکست تئوری های اقتصادی براندازان

حتماً طی روزهای اخیر نظرات شبه اقتصادی عده ای از براندازان را شنیده اید که مرتباً در رسانه های معاند مردم را به خارج کردن پول های خود از بانک ها تشویق می کنند. این موضوع فارغ از آنکه بدون پشتوانه عملی است و مورد قبول مردم قرار نگرفته شاید در آینده ای نزدیک و با افزایش نرخ سود بانکی این تلقی را در آنها ایجاد کند که افزایش ایجاد شده به دلیل تهدید خروج پول از بانک ها است، اما توجهی ندارند که فارغ از تأثیرات مختلف مثبت و منفی افزایش نرخ بهره که تا قبل از این بحث تر شدن موضوع هیچ ربطی به نظرات آنان ندارد و بحثی اقتصادی و مالی بوده تا سیاسی و احساسی. حسین درودیان در این خصوص می گوید باید توجه کرد که این سیاست یک واکنش به افزایش قیمت دارایی است و همیشه بانک مرکزی تمایل به این کار داشته و اساساً تبلیغات برای خروج پول بسته به سیاست های مختلف نتایج متفاوتی دارد اما نهایتاً اتفاقی با این تبلیغات رخ نخواهد داد.

باید که به همان اندازه هزینه بانک را افزایش می دهد، این افزایش ۵ درصدی در سمت دارایی بانک قابل قراردادن نیست و بانک ها نمی توانند ۵ درصد از دارایی فعلی کسب بازدهی کنند و باعث بیشتر شدن و عمیق تر شدن ناترازی بانک ها می گردد. افزایش نرخ سود تنگنای تسهیلات دهی را بدتر می کند. به این علت که وقتی افزایش نرخ سود ناترازی بانک ها را بیشتر کند و چون بانک مرکزی سیاست کنترل ترانزانه را دارد پس تنگنای مالی را افزایش می دهد و امکان تسهیلات دهی بانک ها را کاهش می دهد. کاری که می تواند اثر ناترازی را کم کند این است که دولت انواع برداشت مستقیم و نامستقیم خود را کاهش دهد و اجازه دهد تا بانک تسهیلات با نرخ های بالاتر به بخش خصوصی دهد تا جنبه درآمدزایی بانک زیاد شود، البته شرایط فعلی کشور نشان دهنده این است که این امر امکان ندارد.»